



21 جولای 2014



داکتر سیدعبدالله کاظم

## بن بست انتخاباتی شکست، اما آینده هنوز تاریک است! (قسمت اخیر)

### حرکت در میان موج های توفنده بسوی نجات

#### گفته میشود که: «انتخابات بازنده ندارد» !!

در این روزها که مسابقات جام جهانی فوتبال به پایان رسیده است، همه دیدند که در دور آخر اگر دو تیم مساوی می شدند، باز هم سرنوشت برنده و بازنده با «شوت کردن پناهی» معلوم میگردید. حالا اگر گفته شود که انتخابات ریاست جمهوری کشور «بازنده ندارد»، این ادعا مغایر به اصل انتخابات است. اگرچه در انتخابات جاری کشور اعلان نتایج نهایی به اتهام تقلب گسترده زیر سؤال رفت و اوضاع به بن بست کشیده شد، اما توافق هردو کاندید بر تفتیش مجدد همه آراء که با پادرمیانی جان کری بوسیله کمیسیون انتخابات زیر نظر ناظران ملی و بین المللی صورت میگیرد، میتواند در نهایت برنده و بازنده را تعیین کند.

در اینجا مشکل وقتی به میان می آید که در اثر توافق طرفین مبنی بر تشکیل حکومت وحدت ملی نتایج انتخابات اهمیت خود را از دست میدهد. این توافق که برنده انتخابات رئیس جمهور و بازنده آن رئیس اجرایی حکومت باشد، چنین معنی میدهد که در واقع برنده انتخابات، بازنده اصلی و بازنده انتخابات، برنده اصلی خواهد بود، زیرا در این صورت برنده بیشتر از نصف صلاحیت خود را از دست میدهد و برعکس بازنده بجای آنکه در نقش اپوزسیون درآید، برعکس شامل حکومت شده و حیثیت صدراعظم را کسب میکند. اینجاست که موضوع از منظر انتخابات و دموکراسی از یکطرف فاصله میگیرد و اهمیت انتخابات را به مثابه «هیچ» تنزل میدهد و از طرف دیگر نظام اداری را مغلق و بی موازنه ساخته عدالت ناشی از انتخابات را نقض میکند.

حالا اگر کسانی فکر میکنند که تغییر در نظام سیاسی از ریاستی به صدارتی یک ضرورت مبرم است، راه معقول آن بود که رئیس جمهور یک قسمت و یا همه وظایف اجرایی خود را به یک شخص مورد اعتماد خود از طریق صدور یک فرمان تفویض میکرد و او زیر نظر رئیس جمهور وظیفه محوله را انجام میداد. در این صورت مشکل عمده به وجود نمی آمد، طوریکه داکتر اشرف غنی قبلاً اعلام کرد که ضیاً مسعود را به حیث رئیس اجرایی هشت وزارت سکتوری در نظر گرفته است.

اکنون سؤالهای زیاد در چند مورد مهم و اساسی در پلاتفورم دو تیم مطرح است که چگونه آنها میتوانند در زمینه به یک راه حل وسطی دست یابند: تیم اصلاحات و هم گرائی نظام پارلمانی میخواهد و انتخابی شدن والی ها و در نهایت یک نوع نظام شبیه فدرالی و علاوه بر این تیم خواهان حل موضوع با مخالفان مسلح بخصوص طالبان از طریق فشار میباشد، در حالیکه تیم تحول و تداوم با حفظ نظام متمرکز میخواهد موضوع صلح را با مخالفان از طریق مفاهمه حل نماید. در اینحال اگر رئیس اجرایی را تیم اصلاحات و هم گرائی معرفی کند، آیا رسیدن به یک توافق در موارد فوق بین هردو تیم میسر خواهد بود؟

گذشته از آن همین حالا یک تعداد مؤتلفان هر دو تیم از این وضع ناراضی اند و این تفاهم را نتیجه تصمیم همه اعضای تیم ندانسته و فقط آنرا نظر رئیس تیم و چند نفر دیگر می دانند. این وضع ممکن است منجر به پاشیدگی اعضای مؤتلف هر دو تیم گردد که درد سرهای جدی را بعداً بار خواهد آورد.

بهرحال این فضای تاریک و مغشوش موجب نگرانی یک تعداد زیاد فعالان سیاسی هردو تیم گردیده و سلسله مباحثات و مشاجرات بین آنها تازه شروع شده و با گذشت هر روز ممکن است بیشتر و بیشتر گردد. همین فضای مغشوش مرا نیز به این اندیشه برد که از خود بپرسم: آیا این تاریکی ها به دنبال خود روشنی خواهد داشت؟

د پانو شمیره: له 1 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاډونه: دليکني د ليکنيزي بني پاوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

## می گویند «جهان به امید خورده شده است»:

من هم با چشم امید بسوی آینده می نگرم و برای تسکین خاطر خود از معمای فردای کشور، طبق مرسوم دیشب دست به دیوان حضرت حافظ بردم و چون صفحه را باز کردم، چشمم به این بیت افتاد:

### صوفی مجنون که دی جام و قدح می شکست دوش به یک جرعه می، عاقل و فرزانه شد

این بیت شیخ بزرگ مرا به دریای اندیشه فرو برد و در سکوت شب روانه ای تعبیر آن شدم و فال نیک گرفتم که با «جنون» نمیتوان راه به حقیقت برد، مگر آنکه از «عقل و خرد» کار گرفت و فقط با استفاده از این مشعل است که میتوان بر تاریکی ها چیره شد و در راه خیر و فلاح قدم گذاشت. کسانیکه دیروز «جام و قدح» می شکستند و سخنان آتشین بر زبان میراندند، ولی امروز با یک «جرعه می» به دنیای عقل و فرزانهگی قدم می گذارند. امید است هریک این راه را سر آغاز یک سفر دراز پندارند و این روزنه را در دل های خسته از مصیبت های روزگاران گذشته بسوی یک آینده امید بخش بکشایند.

بعضی ها از اینکه ما افغانها نتوانستیم بر مشکل خود فایق آئیم و ناگزیر دستی از بیرون آمد و مشکل گشای کار ما شد، ناراحت اند. این هم درسی بود بس بزرگ که باید از آن بیاموزیم و بدانیم که هرروز دستی از بیرون برای کمک بسوی ما دراز نمیشود، باید خود ما آماده حل مشکلات خود باشیم. توسل به زور و تهدید به جنگ و ستیز، خصلت کسانی است که با با تدبیر آشنا نیستند و یا چنان غرق در خود خواهی و جاه طلبی اند که درب تدبیر را بروی خود بسته اند. متأسفانه ما افغانها به همین دلیل همیشه برنده ای جنگ و بازنده ای سیاست بوده ایم و آنچه را در میدان جنگ با ریختن خونهای بسیار بدست آورده ایم، در عرصه سیاست به بسیار سهولت از دست داده ایم. باید بیدار شویم و از آسمان احساسات به زمین تدبیر و عقل گام گذاریم و گره خود را بدست های خود باز کنیم.

در اینحال یونس قانونی (جانشین مارشال فهیم در کرسی معاونیت ریاست جمهوری) دو روز قبل در ولسی جرگه اذعان داشت که اساساً طرح حکومت «وحدت ملی» فرآورده مغز او و کریم خلیلی معاون دوم ریاست جمهوری است که با اعلان «بیموقع» نتایج ابتدائی از هم پاشید و بعداً با آمدن جان کری دوباره مطرح گردید. این اعتراف در حقیقت بار مسئولیت جان کری را که به حیث یک شخصیت جهانی چگونه به خود حق داده است بر چنین تصمیم نادرست و مغایر عقل و منطق مهر تائید بگذارد، به شانه های قانونی و خلیلی انتقال میدهد.

از این حقیقت نمیتوان انکار کرد که دوره اول و دوم انتخابات ریاست جمهوری کشور با همه کم و کاستی ها و نشیب و فراز ها از روز اول تا امروز یک مرحله حساس و بسیار آموزنده برای مردم، برای اداره های انتخاباتی و برای کاندید ها و تیم های مربوطه شان بود که باید از آن آموخت و در حفظ دستاوردهای چند سال اخیر با چراغ عقل و خرد بر تاریکی فایق آمد، در غیر آن کشور بدست خود ما ویران خواهد شد.

## دست آوردهای نوید بخش انتخابات امسال :

در سه قسمت اول این نوشته از مشکلات تشکیل حکومت «مشارکت جناحی» که مسمی به «وحدت ملی» شده است، صحبت کردیم، ولی در قسمت پایان این مبحث میخواهم توجه را به یک تعداد دست آوردهای مثبت این دوره انتخابات نیز جلب نمایم که تجارب چند ماه گذشته با تمام تلخی های آن، میتواند الهام بخش ثمرهای شیرین در آینده باشد، به شرطیکه بزرگان به فرموده حضرت حافظ «عاقل و فرزانه» باشند. این دست آورد ها را نباید کم گرفت، بلکه در نهادینه ساختن آن باید کوشید. حال بقول معروف «چو عیبش بگفتی، وصفش را نیز بگو» تا مردم مایوس از رویدادهای منفی نباشند و به دست آوردهای مثبت نیز فکر کنند و مایه امیدواری آنها در آینده گردد، از جمله توجه را به نکات ذیل معطوف میدارم:

1 - انتقال قدرت بطور مسالمت آمیز از طریق رأی مردم با وجود صدها توطئه از داخل و خارج و با وجود تقلب و حتی تقلب گسترده، باز هم یک تحول بزرگ در تاریخ کشور محسوب میشود. در بسا کشورهای جهان که داد از نظام

د پانوی شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

انتخابی میزنند، ولی وقتی شخصی یکبار به قدرت در راس دولت دست یافت، دیگر قدرت را نمی گذارد و به هر وسیله ممکن در تمدید آن می کوشد. ما شاهد رؤسای جمهوری هستیم که با تقلب و استفاده از زور خود را به یک دیکتاتور مدام العمر تبدیل کرده اند. جای شکر است که افغانستان در اثر انتخابات جاری از مخصوصه «تداوم قدرت» که ذهن همه را به خود مصروف ساخته بود، رهائی یافت و از این به بعد انشأ الله که همین روال برطبق قانون ادامه خواهد یافت.

**2 - تجارب حاصله از نظام ریاستی ثابت ساخت که با تمرکز بیش از حد صلاحیت های قانونی در دست رئیس جمهور، موقف او تدریجاً از یک رئیس جمهور به یک سلطان مقتدر بلند برده شد، تاحدیکه از سیاست خارجی گرفته تا همه امور داخلی در ید سلطه و قدرت او و یک حلقه انگشت شمار اطرافیان او قرار گرفت. رئیس جمهوریکه بر علاوه ریاست سه قوه، رئیس قوای اجرائیه باشد و اراکین قوای قضائیه را نیز به نحوی بگمارد، فقط با زیر نفوذ قرار دادن پارلمان میتواند بیک شخص خود کامه و دیکتاتور تبدیل گردد. خوب است که جامعه جهانی بخصوص ایالات متحده امریکا که در اول بانی و حامی این نظام بود، متوجه اشتباه خود شد و اکنون در صدد تغییر نظام برآمده است. البته در طول مباحث گذشته درباره مشکلات حکومت «وحدت ملی» صحبت کردیم که یک دوره امتحانی و خالی از مشکلات نخواهد بود. اگر واقعاً متصدیان امور در این دوره موفق شوند تا با تفاهم کشور را بطور سالم با امن و ثبات اداره کنند و از یک امتحان تاریخی موفقانه بدر شوند، آنوقت کشور در یک مسیری قرار خواهد گرفت که مایه امیدواری خواهد بود.**

اینکه باتعدیل قانون اساسی نظام آینده کشور «پارلمانی» باشد و یا «صدارتی»، بحثی است که به موقع آن مطرح خواهد شد؛ اما اینکه فرق بین نظام «پارلمانی» و «صدارتی» چیست، مختصر میتوان گفت که در نظام پارلمانی ریاست حکومت را رئیس حزب اکثریت و یا ائتلاف چند حزب در پارلمان به عهده میگیرد و کابینه را می سازد، درحالیکه در نظام صدارتی رئیس حکومت (صدراعظم) از طرف رئیس جمهور به تشکیل کابینه مؤظف میگردد و رئیس جمهور صدراعظم مؤظف را با لست کابینه پیشنهادی او به ولسی جرگه معرفی میکند. هرگاه صدراعظم و کابینه جمعاً به اخذ رأی اعتماد از ولسی جرگه موفق شوند، آنوقت رئیس جمهور فرمان تقرر آنها را صادر مینماید. از آنجائیکه تشکل احزاب به مفهوم واقعی آن در کشور تاهنوز تکامل نکرده و اکثر احزاب موجود بر مبنای قومی، مذهبی و منطقوی تشکیل شده اند، نه آنکه به روی پلاتفورم های سیاسی مشخص، لذا تا وقتی که احزاب ماهیت یک «حزب سیاسی» را کسب نکرده و در پارلمان نماینده نداشته باشند و تا وقتی که پارلمان از سیطره های قومی، مذهبی و منطقوی نجات پیدا نکند، تا آنوقت نظام پارلمانی در افغانستان قابل تطبیق نخواهد بود. نمیخواهم به این بحث وسیع و همه جانبه در اینجا بپردازم و اگر کسانی خواسته باشند در زمینه از نظر من آگاه شوند، به نوشته یک سال قبل من در این ارتباط روی لینک ذیل کلیک فرمایند.

[www.afghan-german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/kazem\\_sa\\_baray\\_nejat\\_az\\_bohran\\_siyasi\\_tshi\\_bayad\\_kars.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/kazem_sa_baray_nejat_az_bohran_siyasi_tshi_bayad_kars.pdf)

**3 - در اثر تحول جاری دو کاندید و تیم های مربوطه که تا چند روز قبل به اصطلاح «سایه یکدیگر را به سنگ می کوبیدند»، اکنون حاضر شده اند باهم در فضای آرام و دوستانه صحبت نمایند و یکی به خانه دیگر بروند، درحالیکه قبل از آن برای ایجاد فضای تفاهم بین آنها جان کوری مجبور بود بین دو اطاق رفت و آمد کند و نظر یکی را به دیگری برساند. خوشحالم که اکنون نگاه های عبوس و گفتارهای تند جای خود را اقلأً به نرمش و شنیدن دلایل یکدیگر داده است. در موجودیت همچو فضا است که احساسات جای خود را به عقل و خرد میدهد. امید است این شیوه ادامه یابد و این تماس های حسن نیت به نتیجه مطلوب در حل مشکلات منجر شود و ضرورت به پادرمیانی دیگران نباشد.**

**4 - تشکیل دو تیم قوی انتخاباتی یعنی تیم «تحول و تداوم» به زعامت داکتر اشرف غنی و تیم «اصلاحات و هم گرائی» به زعامت داکتر عبدالله عبدالله در آینده میتواند پایه گذار دو حزب سیاسی بزرگ در کشور شود. تا جائیکه از مشمولان هر تیم و نحوه برنامه های سیاسی شان طی مبارزات انتخاباتی معلوم میگردد، یک تیم بیشتر با روحیه یک حزب «محافظه کار» و دیگری بیشتر با روحیه «دموکرات لیبرال» میلان دارند که با این تحول هر یک میتوانند طی یک مدت کوتاه به حیث دو حزب رقیب دارای اجندا و پلاتفورم مشخص تبارز نمایند. در عین زمان کسانی که با نظر این دو تیم موافق نباشند، میتوانند در یک حلقه دیگر تشکل نموده یک یا دو حزب دیگر را بسازند. بدینوسیله از تعدد بی**

د پاپو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

موجب احزاب موجود که نام و نشان شان حتی به خود شان درست معلوم نیست، جلوگیری شود. همچنان با تشکل چند حزب قوی، بعضی اشخاص و یا گروپ ها که هدف شان رسیدن به مقام و یا حفظ منافع اقتصادی و سیاسی و یا نفوذ محلی و غیره میباشند، دیگر مجال به معامله گریها را نخواهند داشت. این نوع تشکل در عین زمان میتواند یک اپوزسیون قوی و قانونی را در برابر حزب سر اقتدار به وجود آورد. به نظر من این یک تحول مثبت خواهد بود که در آغاز همین دوره تهداب آن گذاشته شود.

**5 -** رویداد های اخیر بدون شک مثل شک های قوی برقی بودند که کمسیون های مستقل انتخابات و شکایات انتخاباتی را در مجموع و هریک از اعضای آنرا متوجه مسئولیت های خطیر ملی شان ساخت تا با دقت لازم به امور مربوطه مستقلانه و برطبق قانون رسیدگی نمایند. همچنان توجه کاندید ها را نیز به مکلفیت های قانونی شان جلب کرد تا وجایب خود را بطور درست و در موقع معین انجام دهند. مبارزات انتخاباتی نیز در این دوره شکل خاص خود را داشت که در سابق به چند مناظره کوتاه تلویزیونی خلاصه می شد، ولی این بار کاندید ها نزد مردم در ولایات رفتند و درباره برنامه های خود تاحد مقدور مردم را آگاهی دادند. مقامات دولتی نیز متوجه شدند که مداخله مستقیم و غیر مستقیم شان از نظر مردم پنهان نمی ماند و باید در کارکرد های خود کمال احتیاط را رعایت کنند.

**6 -** در این دوره انتخابات رسانه های جمعی اعم از صوتی، تصویری و نوشتاری هریک به نوبه خود نقش بسیار فعال بازی کردند که از هر نگاه قابل تمجید و ستایش است. اینکه بعضی رسانه ها با حفظ موقف های سیاسی خود عمل کردند، یک موضوع عادی بوده و با رعایت قانون میتوانند از این حق خود استفاده نمایند. رسانه ها توانستند تا پیامها و نظریات کاندید ها و تیم های مربوطه شان را به وجه احسن به مردم برسانند و مردم با ذهن نسبتاً روشن تر به پای صندوقها رفتند، ولو که یک عده زیاد رأی دهندگان به تاسی از وابستگی های قومی، زبانی، مذهبی و منطوقی در این دوره رأی دادند. عمده ترین بخش رأی دهندگان جوانان بودند که بیشترین رأی خود را به برنامه کاندید دادند، نه به وابستگی های قومی و غیره. عده ای از این جوانان اینبار به صراحت گفتند که رأی حق شخصی شان است و بزرگان حق ندارند نظر خود را مثل سابق بر آنها تحمیل کنند.

**7 -** عمده ترین پیام مردم در این دوره انتخابات در خارج و داخل کشور برای همه این بود که می گفتند: «ما از جنگ خسته شده ایم، ما آرامش، صلح، امنیت و ثبات و نجات از بیکاری میخواهیم». با این روحیه پیام صریح مردم به کسانی که با چاق کردن میدان کشمکش و برخورد مثل سالهای گذشته میخواستند به اریکه قدرت تکیه زنند، این بود که ما از اعمال زور و قوه بیزار هستیم. چنانکه دیده شد، به همین دلیل اشتراک مردم در مظاهرات هفته های قبل بسیار کم رنگ و فارغ از خشونت بود. اگر تعداد تماشاگران را که طور معمول زیادتر از مظاهره کنندگان اصلی می باشند، از تعداد مجموعی بیرون کنیم، تعداد نه چندان زیاد در صف مظاهره چپان باقی می ماند که نشان دهنده دوری جستن اکثریت مردم از همچو رویدادهای میباشند که منجر به خشونت گردند.

**8 -** اشتراک وسیع مردم با وجود هوای بارانی و شرایط دشوار امنیتی در دور اول و باز هم تعداد بیشتر در دور دوم بیانگر یک تحول عمده در احساس مسئولیت مردم برای رأی دادن است. اکنون مردم پی برده اند که رأی دادن یک وجیبه و مکلفیت آنها است و همین رأی میتواند سرنوشت آینده شانرا در مجموع تعیین کند. طوریکه معلوم شد، مردم مثل سالهای قبل در این مسائل بی تفاوت نیستند. بخصوص جوانها در این دوره در بسیج کردن گروپهای خود بیشتر از همه فعال بودند. داستان مردی که مرگ دختر خود را از مردم در روز انتخابات پنهان کرد تا مبادا این خبر مردم محل را از رفتن به صندوق های رأی مانع شود و یا گفتار یکی از کسانی که مخالفین انگشت پررنگ او را بریده بودند و با آنها او فریاد میزد که: «اگر هر ده انگشتانم را نیز می بریدند، باز هم من رأی میدادم»، اینها همه شواهدی آشکاراند که درک عمیق مردم ما را در ادای وجیبه رأی دادن بیان میکند و نظیر آن در کمتر کشوری دیده شده است.

**9 -** مردم ما اعم از زن و مرد و پیر و جوان با رفتن به پای صندوقهای رأی در شرایط بسیار دشوار به مخالفان مسلح از هر گروه که استند - در داخل و خارج، این پیام را رسانیدند که از هیچ تهدید و فشار نمی ترسند و شجاعانه در نهادینه ساختن آرمانهای ملی خود به حیث یک مشت بسته عمل میکنند. با درک همین احساس، چون مخالفان دریافتند

د پاپو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

که از حمایت مردم بی نصیب می باشند، لذا به عملیات نامردانه خود در این روزها افزودند و به کشتار مردم بیگناه و تخریب دارائی ها عامه پرداختند. آنها میخواهند با تهدید به زور و کشتار، روحیه مردم با شهادت ما را تضعیف کنند، بیخبر از این که هر قدر آنها از شدت عمل کار گیرند، مردم را علیه خود بیشتر و بیشتر بسیج می سازند.

**10 -** از همه مهمتر همسایه های طماع ما میخواستند با تحریک یک تعداد، وضع را نا آرام سازند و با بدنام ساختن انتخابات ثابت کنند که افغانستان در مرحله «خود اداری» قرار ندارد و بناً با خروج قوای خارجی از کشور زمینه های سلطه خود را مثل چند سال قبل بر کشور ما فراهم سازند. امروز با شکستن بن بست انتخاباتی و نشستن دور میز تفاهم، توطئه های آشکار و پنهان دو همسایه ایران و پاکستان رو به خنثی شدن دارد، آنها از تفاهم دو تیم در زبان استقبال کردند و اما در دل ناراحت اند تا با طرق و وسایل دیگر اوضاع کشور ما را بازم دستخوش حوادث سازند.

**11 -** وساطت جان کری و نقش عامل امریکا درحل به موقع معضله انتخابات این حقیقت را بار دیگر به مردم افغانستان ثابت کرد که کشور ما به یک حامی پر قدرت ضرورت دارد تا در مواقع مهم و حساس به کمک ما بشتابد و نگذارد که کشور بار دیگر مواجه بیک آشوب و جنگ داخلی گردد. کشور ما نه تنها به حمایت های سیاسی جامعه جهانی نیاز دارد، بلکه بدون حمایت های مالی و نظامی آنها کشور دچار مشکل و در معرض بحران قرار خواهد گرفت که عاقبت آن برای مردم و کشور بسیار ناهنجار خواهد بود. ما نباید حمایت وسیع جامعه جهانی را در گرو حمایت های منطقی ناپایدار و زود شکن قرار دهیم. عقل سلیم حکم میکند که در شرایط موجود، سیاست خارجی خود را با اتکا به حمایت جامعه جهانی عیار سازیم و در پرتو آن نحوه روابط با همسایه های خود را شکل دهیم.

**12 -** بعضی ها به این نظر اند که هنوز ذهنیت های مردم ما آماده قبول دموکراسی در کشور نمیباشد، لذا نخست زمینه ها را مساعد ساخت و مردم را از مزایای دموکراسی آگاهی داد و بعد از آنکه مردم آماده شدند، به پخش و تطبیق دموکراسی پرداخت. من با این نظر موافق نیستم، زیرا مردم تدریجی و از طریق تمرین با شیوه های دموکراتیک آشنا میشوند و اینکار مثل عملیه آموزش حین اجرای کار و وظیفه است. ما نمیتوانیم به یک کارگر بیسواد بگوئیم که: «اول چند سال تعلیم کن بعد بیا و شامل کار شو». شاید اینکار برای پست ها و وظایف اختصاصی مطلوب باشد که باید شخص قبل از استخدام درس خوانده باشد، ولی برای عامه مردم که دموکراسی از آنها و برای آنها است و بوسیله آنها تحقق می یابد، فرا گرفتن اصول دموکراسی فقط از طریق تمرین صورت گرفته میتواند، چنانچه اگر نیک بنگریم و چند دوره انتخابات را طی چند سال اخیر در کشور از نظر بگذرانیم، می بینیم که مردم، دستگاه های اداری، و کاندید ها و حتی رسانه ها و نیروهای امنیتی تا چه صاحب تجربه شده اند. دوره جاری انتخابات با تمام کم و کاستی های آن یک نمونه بارز برای آمیزش و آشنائی مردم با اصول دموکراسی پنداشته میشود.

**13 -** در اینجا لازم به تذکر میدانم که همکاری جناح ها در پنج سال آینده این موقع را برای جوانان کشور مساعد خواهد ساخت تا خود را آماده قبول مسئولیت های ملی پس از این مدت سازند. گمان میرود اکثر منتقدین قومی که امروز خود را به حیث رهبران قومی و صاحبان رأی معرفی میکنند، تا پنجسال دیگر نظر به کبر سن و یا خسته شدن از کارهای سیاسی پرمخاطره و جنجال برانگیز که محصول خود خواهی خود آنها است، خود را از صحنه فعال سیاست بیرون کنند و فضا را برای نسل جوان با بینش وسیع و افکار جدید فارغ از فرهنگ زور و ستیزه و اما به روی واقعیت های قابل قبول باز نمایند. اگر این پنجسال بازم مثل سالهای قبل با کشمکش ها، قانون شکنی ها و توطئه ها توأم باشد، واضح است که نسل جوان نخواهد توانست در فضای نا آرام به رسالت خود برای آینده آماده شود. زمینه سازی برای نسل جوان یکی از وظایف مهم این پنجسال خواهد بود. نسل جوان افغان باید از همین حالا بداند که دیر یا زود مسئولیت اداره کشور به عهده آنها خواهد بود و در این راه باید خود را هرچه زودتر آماده و نیروهای مسلکی و ملی خود را بسیج و عیار سازند.

**14 -** اگر دو تیم انتخاباتی در چهار چوب حکومت گویا «وحدت ملی» طوری باهم آمیختند که از اپوزسیون خبری نشد، لازم است تا این اپوزسیون به نحوی به وسیله یک یا چند گروه متشکل از جمله جوانان به میان آید تا وظیفه مهم

کنترول حکومت را پیش ببرند، زیرا موجودیت یک اپوزیسیون قوی یکی از شرایط عمده در یک نظام دموکراتیک است.

**15 -** در پایان افتخار میکنم به نیروهای امنیتی با شهامت افغان اعم از اردو و پولیس که در اجرای وظایف ملی خود، از جمله تأمین امنیت انتخاباتی فعالانه و با درک مسئولیت عمیق خدمت کردند و جان های شریف خود را در این راه فدا نمودند. آنها نه تنها محافظان واقعی این سرزمین اند، بلکه آنها کسانی اند که تأمین امنیت و ثبات دموکراسی را در کشور نهادینه می سازند و از ارزش های آن با کمال متانت و شجاعت پاسداری میکنند.

ناگزیر باید بگویم که این سخن مرا بسیار متأثر ساخت، وقتی این گفته را شنیدم که: «در صورت هجوم طرفداران تیم اصلاحات و هم گرایی به ارگ، محافظان ارگ مانع ورود آنها نخواهند شد». وقتی در مقاله قبلی نوشتم که: به دستور کرزی هرگاه دروازه های ارگ را به روی مظاهره چپان می بستند، کسی نمیتوانست داخل ارگ شود، مگر آنکه دروازه به وسیله بمب یا تانک شکستاده می شد. روز بعد دوستی به من تلفون کرد و این جمله را گفت: «ارگ مثل زمان شهید داود خان شاید از داخل سقوط میکرد». این سخن پر معنی واقعاً مرا تکان داد و با خود گفتم که اگر ارگ مصئون نباشد، افغانستان را چطور میتوان مصئون ساخت. اما گمان نمیکنم که محافظان ارگ و یا بالا رتبه های آن وابسته به حلقه های خاص باشند و به چنین کارهای دست بزنند که مغایر به اصل وظیفوی ملی شان باشد. (پایان)

زنده باد افغانستان  
سربلند باد ملت قهرمان افغانستان

---

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ